

درس سیزدهم

نوح نبی

صبر و خشم خدا

پیدایش ۶

سلام بر شما شنوندگان عزیز. در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود مقرر کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید، و تا به ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه می‌توانیم باری دیگر برنامه طریق عدالت را به شما تقدیم می‌کنیم. تا کنون در بررسی‌ای که از کتاب مقدس داشتیم دیدیم که در ابتدا خدا دنیا را خلق کرد و همه چیز نیکو بود. با اینحال هنگامی که جد ما آدم از خدا ناطاعتی کرد، شرارت از طریق او وارد دنیا شد و تمام انسانها را در بر گرفت. مسلماً، «مرضی که مُسری باشد، جلویش را نمی‌توان گرفت!» در برنامه گذشته، درباره دو نسل آدم سخن گفتیم، فرزندان قائن و فرزندان شیث. فرزندان قائن به خدا ایمان نداشتند. با اینحال در میان فرزندان شیث، برخی به خدا ایمان داشتند، و به این خاطر خدا گناهان آنها را بخشید. یکی از فرزندان شیث خونخ بود. گرچه بسیاری از کسانی که در روزگار خونخ زندگی می‌کردند با زندگی ناپاک خود از شیطان پیروی می‌کردند، اما خونخ در تقدس با خدا راه می‌رفت.

امروز می‌خواهیم زندگی شخص دیگری را بررسی کنیم، کسی که در روزگار فاسد و پر از شرارت با خدا راه می‌رفت. این شخص، نوح نبی، پسر ارشد خونخ بود. تاکنون آموختیم که در روزگار اولیه خلقت مردم عمر طولانی‌تری نسبت به امروز داشتند. آیا می‌دانید مسن‌ترین مرد دنیا چه کسی بود؟ متوشالچ پدر لمک و لمک پدر نوح. این لمک با لمک، فرزند قائن که در جلسه گذشته درباره آن گفتیم، فرق دارد. نوح به نسل دهم پس از آدم تعلق داشت. هنگامی که نوح پانصد ساله بود، صاحب پسرانی با نامهای سام، حام، یافت شد.

آنچه که قصد داریم در مورد زندگی نوح بررسی کنیم بسیار حائز اهمیت است، زیرا روزگاری که نوح در آن می‌زیست شباهت بسیاری به روزگار ما دارد. در روزگار نوح، دنیا سرشار از گناه بود. کتاب مقدس می‌گوید «خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و تصور خیالهای دل وی دائماً محض شرارت است.» (پیدایش ۶:۵) دل فرزندان آدم پر بود از افکار پلید، طمع، فریب، شهوت پرستی، حسادت، خودبینی، خصومت، جنگ، زنا، دزدی، قتل، و حماقت (بر طبق مرقس ۷:۲۱، ۲). انسانها دنیایی را که خدا برای آنها خلق کرده بود ویران می‌کردند. بسیاری پیرو مذهب بودند، اما مذهب آنها فقط برای نمایش به دیگران بود. خدای آنها لذتهای جسم بود، و گناهان آنها روز به روز بیشتر می‌شد!

ببینید کتاب مقدس در تورات، کتاب پیدایش، باب شش چه می‌گوید:

و خداوند گفت: «روح من در انسان دائماً داورى نخواهد کرد زیرا که او نیز بشر است. لیکن ایام وی

صد و بیست سال خواهد بود.» و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصور از خیالهای

دل وی دائماً محض شرارت است. و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود، و در دل خود محزون گشت. و خداوند گفت: «انسان را که آفریده‌ام، از روی زمین محو سازم، انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا را، چونکه متأسف شدم از ساختن ایشان.»

پس می‌بینیم که خدا تصمیم گرفت فرزندان آدم را به خاطر شرارتشان از روی زمین محو سازد. با اینحال می‌بینیم که خدا چقدر صبور است و بر حسب رحمت خود تصمیم می‌گیرد ۱۲۰ سال دیگر به آنها فرصت بدهد تا توبه کنند، مبادا هلاک شوند. اما هنگامی که این فرصت به پایان برسد خدا تمام کسانی را که توبه نکردند و طریق عدالت او نپذیرفتند را داوری خواهد کرد.

از این ۱۲۰ سال فرصت می‌توانیم شخصیت خدا را بیشتر بشناسیم. خدا بسیار صبور است، اما صبر او حدی دارد. او با انسان سخن خواهد گفت و از او دعوت می‌کند تا توبه کند، اما تا به ابد منتظر نمی‌ماند. به همین دلیل است که خدا در زمان نوح گفت، «روح من در انسان دائماً داوری نخواهد کرد زیرا که او نیز بشر است. لیکن ایام وی صد و بیست سال خواهد بود.» پس می‌بینیم که خدا برنامه‌ای دارد و مدتی به گناهکاران فرصت می‌دهد و سپس اگر نپذیرفتند بر آنها داوری خواهد کرد. می‌توانیم ببینیم که خدا دو ویژگی دارد: صبر و خشم. خدا نیکو است و می‌تواند بسیار صبور باشد؛ اما می‌تواند بسیار عادل باشد و حتی بسیار خشمگین شود! برخی گمان می‌کنند خدا کسی است که با شلاقی و وحشتناک روی سر انسانها ایستاده است، گویی که زود خشم می‌گیرد و از تنبیه و زدن مردم دنیا لذت می‌برد. اما خدا چنین نیست. برخی دیگر گمان می‌کنند خدا هیچگاه خشمگین نمی‌شود و گناهان انسانها را بخشیده و فراموش می‌کند. تنها این را می‌دانند که «خدا نیکوست! خدا نیکوست!» اما خدا اینگونه نیز نیست.

کتاب مقدس درباره شخصیت خدا حقیقت را می‌گوید. نیکویی و رحمت او همه نشانی است از صبر او برای گناهکاران، اما عدالت و تقدس او نیز نشان از خشم او برای گناهان بشر دارد. انبیا درباره صبر و خشم خدا بسیار نوشته‌اند. بیایید به برخی از سخنان آنها گوش دهیم.

بشنوید کتاب مقدس چه می‌گوید:

«لکن ای حبیبان، این یک چیز از شما مخفی نماند که یک روز نزد خدا چون هزار سال است و هزار سال چون یک روز. خداوند در وعده خود تأخیز نمی‌نماید چنانکه بعضی تأخیر می‌پندارند بلکه بر شما تحمل می‌نماید چون نمی‌خواهد که کسی هلاک گردد بلکه همه به توبه گرایند. لکن روز خداوند چون دزد خواهد آمد.» (۲ پطرس ۳: ۸-۱۰)

«خداوند قوم خود را داوری خواهد نمود. افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است..... زنه‌ار از آنکه سخن می‌گوید رو مگردانید زیرا خدای ما آتش فروبرنده است!» (عبرانیان ۱۰: ۳۰، ۳۱؛ ۱۲: ۲۵، ۲۹)

در مزامیر داود چنین می‌خوانیم: «خدا داور عادل است و هر روزه خدا خشمناک می‌شود (بر کسانی که) بازگشت نکنند.» (مزمو ۷: ۱۱، ۱۲)

در انجیل نوشته شده است:

زیرا غضب خدا از آسمان مکشوف می‌شود بر هر بی‌دینی و ناراستی مردمانی که راستی را در ناراستی باز می‌دارند... (خدا آنها را داوری خواهد کرد) حکم خدا بر حق است. پس ای آدمی ... آیا گمان می‌بری تو از حکم خدا خواهی رست؟ یا آنکه دولت مهربانی و صبر و حلم او را ناچیز می‌شماری و نمی‌دانی که مهربانی خدا تو را به توبه می‌کشد؟ و به سبب قساوت و دل ناتوبه‌کار خود، غضب را ذخیره می‌کنی برای خود در روز غضب و ظهور داوری عادلۀ خدا؟ که به هر کس بر حسب اعمالش جزا خواهد داد.» (رومیان ۱: ۱۸؛ ۲: ۲-۶)

خشم خدا همچون خشم انسان نیست. انسان خشمگین می‌شود، اما به تدریج از خشم او کاسته می‌شود تا اینکه خشم اولیه خود را به دست فراموشی می‌سپارد. خشم خدا چنین نیست! گذشت زمان باعث نمی‌شود که از خشم خدا کاسته شود! خشم او نسبت به کسانی که نمی‌خواهند توبه کنند فروکش نمی‌کند؛ بلکه بیشتر می‌شود! این همان چیز است که در کتاب مقدس خواندیم: «و به سبب قساوت و دل ناتوبه‌کار خود، غضب را ذخیره می‌کنی برای خود در روز غضب و ظهور داوری عادلۀ خدا؟»

مردمان روزگار نوح خشم خدا را برای خود ذخیره می‌کردند! با اینحال در آن زمان مردی بود که خدا را با تمام قلب خود دوست داشت، و به کلام خدا ایمان داشت. آن مرد نوح بود. از این رو کتاب مقدس می‌گوید: «اما نوح در نظر خداوند التفات یافت. نوح مردی عادل بود، و در عصر خود کامل. و نوح با خدا راه می‌رفت.» (پیدایش ۶: ۸، ۹) چرا خدا به نوح لطف کرد؟ آیا نوح شایستگی فیض خدا را داشت؟ خیر! فیضی که بر شایستگی استوار باشد دیگر فیض نیست. فیض به معنای «لطف بلاشرط است» است.

چرا خدا فیض خود را بر نوح جاری ساخت و نه بر دیگران؟ کتاب مقدس در این مورد چه می‌گوید؟ کلام خدا به ما می‌گوید که نوح به خدا ایمان داشت، درحالی‌که دیگران به او ایمان نداشتند. نوح به کلام خدا ایمان داشت. او به آنچه که خدا درباره نجات‌دهنده‌ای که باید برای نجات گناهکاران به این دنیا می‌آمد ایمان داشت. نوح نیز همچون تمام فرزندان آدم در خود گناه داشت، اما خدا نوح را عادل محسوب کرد، زیرا او به خدا ایمان آورد و برای گناهان خود خون بره را قربانی کرد. پس، کتاب مقدس به ما می‌گوید «نوح مردی عادل بود، و در عصر خود کامل.»

روزی خدا به نوح گفت:

«انتهای تمامی بشر به حضورم رسیده است، زیرا که زمین به سبب ایشان پر از ظلم است. و اینک من ایشان را با زمین هلاک خواهم ساخت. پس برای خود کشتی از چوب کوفر بساز، و حجرات در کشتی بنا کن و درون و بیرونش را به قیر بیندا. و آن را به این ترکیب بساز که طول کشتی ۳۰۰ ذراع باشد، و عرضش ۵۰ ذراع و ارتفاع آن ۳۰ ذراع. و روشنی برای کشتی بساز و آن را به ذراعی از بالا تمام کن. و در کشتی را در جنب آن بگذار، و طبقات تحتانی و وسطی و فوقانی بساز. زیرا اینک من طوفان آب را بر زمین می‌آورم تا هر جسدی را که روح حیات در آن باشد، از زیر آسمان هلاک گردانم. و هر چه بر زمین است، خواهد مرد. لکن عهد خود را با تو استوار می‌سازم، و به کشتی در خواهی آمد، تو و پسرانت و زوجهات و ازواج پسرانت با تو. و از همه جمیع حیوانات، از هر ذی‌جسدی، جفتی از همه به کشتی در خواهی آورد، تا با خویشان زنده نگاه داری، نر و

ماده باشد. از پرندگان به اجناس آنها، و از بهایم و اجناس آنها، دو دو از همه نزد تو آیند تا زنده نگاه داری. و از آذوقه‌ای که خورده شود، بگیر و نزد خود ذخیره نما تا برای تو و آنها خوراک باشد.» (پیدایش ۶: ۱۳-۲۱)

بنابراین خدا به نوح گفت که قصد دارد زمین را با آب غرق کند و بدینوسیله کسانی را که توبه نکرده‌اند هلاک کند. خدا به نوح گفت کشتی بزرگی بسازد تا از طوفان در امان بماند. طول کشتی ۱۵۰ متر بود؛ تقریباً یک و نیم برابر زمین فوتبال. این کشتی برای نوح و خانواده‌اش و و بسیاری از حیوانات و هر کسی که به کلام خدا ایمان داشت پناهگاهی بود. پس پیغام خدا برای مردم روزگار نوح این بود: هر کس که می‌خواهد از داوری طوفان در امان بماند باید از در کشتی عبور کند. هر کسی که از در عبور کند نجات خواهد یافت. کسانی که از این در عبور نکنند هلاک خواهند شد!

پس نوح کار ساخت کشتی را آغاز کرد. این کار پروژه بسیار عظیمی بود. نوح و پسرانش باید صدها درخت را قطع می‌کردند، آنها را به صورت الوار می‌بریدند و با میخ به هم وصل می‌کردند، و بیرون و درون آنها را قیر می‌مالیدند. همسر نوح و همسران پسران او در این کار دشوار به او کمک کردند. نوح و خانواده‌اش به مدت صد سال، روزهای متوالی، برای ساخت این کشتی زحمت کشیدند. اما نوح فعالیت خود را تنها به ساختن محدود نکرد. او همچنین به مردم روزگار خود بشارت می‌داد. شاید او به آنها چنین می‌گفت: «ای مردم گوش دهید! خدا به من گفت از خشم خود با شما سخن بگویم. خشم خدا به خاطر گناهان شما سر به طغیان نهاده است! او تصمیم گرفته است طوفانی بر زمین نازل کند تا تمام کسانی را که نمی‌خواهند توبه کنند هلاک کند. باینحال من خبر خوش را به شما می‌دهم! خدا بر حسب رحمت خود به من فرمان داد کشتی‌ای بسازم تا پناهگاهی باشد برای تمام کسانی که از گناهان خود توبه می‌کنند و به کلام خدا ایمان می‌آورند!» پس نوح با این سخنان به مردم روزگار خود هشدار داد، و آنها را تشویق نمود تا از راه‌های پر از شرارت اجداد خود بازگشت کنند.

شما چه فکر می‌کنید؟ آیا مردم روزگار نوح به کلامی که خدا توسط نبی خود اعلام نمود ایمان آوردند؟ نمی‌توانیم اکنون به شما پاسخ دهیم، زیرا وقت ما رو به پایان است. باینحال، به یاری خدا در جلسه بعدی داستان حضرت نوح را ادامه خواهیم داد و خواهیم دید که خدا چگونه تمام کسانی را که به کلام ایمان داشتند حفظ کرد، و چگونه کسانی را که به کلام او ایمان نیاوردند داوری کرد، و اجازه داد در زیر آبهای طوفانی عظیم غرق شوند.

از اینکه به برنامه ما گوش دادید سپاسگذاریم..... با آیه‌ای برنامه خود را به پایان می‌رسانیم:

«خداوند در وعده خود تأخیر نمی‌نماید چنانکه بعضی تأخیر می‌پندارند بلکه بر شما تحمل می‌نماید چون نمی‌خواهد که کسی هلاک گردد بلکه همه به توبه گرایند. لکن روز خداوند چون دزد

خواهد آمد.» (۲ پطرس ۳: ۸-۱۰)

خدا به شما برکت دهد.